

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نذیر دلسوز

۰۶ مارچ ۲۰۱۹

نقش جواسیس در تخریب و تسخیر نهاد ها از درون

یکی از واکنش های طبقات حاکمه و دولت های وابسته یا دست نشانده در قبال فعالیت های محافل ، گروه ها ، سازمان ها و احزاب کمونیست در تاریخ کشور های مستعمره ، نیمه مستعمره و نیمه فئودالی و کشور های سرمایه داری همواره (و روز تا روز رو به تکامل) این بوده که نگذارند نیروی های در بالا یاد شده ، در میان مردم پایه مبارزاتی مستحکم بگیرند؛ به همین سبب - با بیان رساتر - دولت های متذکره در شبکه ها و نهاد های استخباراتی (اطلاعاتی) خود ، زبده ترین افراد (لطفاً بخوانید : «پولیس های سیاسی») را جست و جو نموده آنان را به نفوذ در درون نیروی های تازه شکل گرفته کمونیستی امر به خزیدن می کنند.

این جواسیس زمانی که با شیوه های قبلاً آموزش دیده [به خصوص زمانی که کشور های امپریالیستی آموزش دهندگان شان را در شعبات استخباراتی چنین کشور هائی گسیل می دارند تا مأموران استخبارتی شان را آموزش دهند] و با استفاده از سطح بسیار نازل شناخت پولیس سیاسی سازماندهندگان این محافل ، گروه ها ، سازمان ها و احزاب کمونیست ، نفوذ می نمایند ، و با شگرد های جدید و تازه کشف شده به رگه ها و رده ها و سطوح بالائی و مغز (رهبری) این تشکلات کمونیستی می خزند.

اینان در گام نخست مجموع نام های اعضای مخفی این نهاد ها را شناسائی می نمایند و تلاش می ورزند تا شماری از این اعضای شناخته شده (از موضع سیاسی - ایدئولوژیک و موقعیت طبقاتی) را در جهت خط حرکتی داده شده از جانب مرکز استخباراتی خود قرار دهند . هر گاه نتوانستند با شیوه های اطلاعاتی به این آرمان دست یابند که مجموع نهاد کمونیستی را در سمت خود قرار دهند و رهبری قبلی و سازماندهندگان اصلی آن را تجرید نمایند ، برآن نهاد کمونیستی انشعاب تحمیل می نمایند . هرگاه به آرمان شان دست نیافتند ، آنگاه تیم های گرفتارائی شبکه های استخباراتی دولت ها وارد عمل شده آغاز به دستگیری اعضای رهبری و صفوف آن نهاد های کمونیستی می نمایند.

با این دید کوتاه در مبارزه علیه پولیس سیاسی (عاملان نفوذی استخبارات دولت ها از جمله دولت افغانستان) به صراحت و آشکارا باید گفت و نوشت که داکتر «غفور سنا» با نام مستعار «پولاد» که در دوره فاکولته برای «ریاست عمومی ضبط احوالات» کار می کرد ؛ به درون حزب دموکراتیک خلق (فرکسیون خلقی ها) خزیده بود . بعد از کودتای ننگین ۷ ثور ۱۳۵۷ به استخبارت تره کی و به دنبال آن به استخبارات امین («اکسا» و «کام») و بعد از تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی در افغانستان به خاد داکتر نجیب انتقال داده شد و از منظر کارکرد استخبارتی اش وی

نخست در تشکیل اخگر (از طریق برادرش) رخنه کرد. از این که بعد از کودتای ننگین ثور چه بر سر رفقای اخگر آمد و داکتر غفور سنا و برادرش و چه نقشی در آن داشتند؛ عجالتاً باشد سرجایش و همین طور از این که این جاسوس حرفه‌ئی چسان در درون «سازمان پیکار برای نجات افغانستان» خزید و تا سطح بالائی آن سازمان خودش را کشید و چه ها در حق اعضای رهبری این سازمان نمود و چسان یکی از جبهات این سازمان را در هرات به یک جنرال روسی [بعد از توبه نامه‌ی اعضای مرکزی و صفوف «پیکار» به دولت مزدور خلق و پرچم و خاد در درون زندان] تسلیم کرد و در پشاور پاکستان چگونه معاینه‌خانه‌ی علنی باز نمود(و در آن معاینه‌خانه چه دید و وادید های استخباراتی باخادی ها و چه نوع توطئه ها طراحی می شد) و از این که این جاسوس («پولاد» «موریانه خورده») در چند کمیته از جمله کمیته بسیار معروف «اتریش» [یا «کمیته جاسوس سازی»] پذیرفته شد و چسان طوق جاسوسی برای کشور های غربی را به گردن (گردن عادت کرده به داشتن طوق جاسوسی) خود انداخت و اینها هم باشد سر جایش .

دلسوز ۲۰۱۹/۰۳/۰۳